

مسئله تحریف قرآن از منظر علمای شیعه

برخی درصدد اثبات تحریف‌پذیری قرآن برآمده و گاهی نیز برخی علمای شیعه را همسو با خود جلوه داده‌اند، اما اعتقاد راسخ علمای اعظم امامیه بر تحریف‌ناپذیری قرآن و مصون بودن این کتاب الهی از هرگونه تحریف و نقصان است.



برخی درصدد اثبات تحریف‌پذیری قرآن برآمده و گاهی نیز برخی علمای شیعه را همسو با خود جلوه داده‌اند، اما اعتقاد راسخ علمای اعظم امامیه بر تحریف‌ناپذیری قرآن و مصون بودن این کتاب الهی از هرگونه تحریف و نقصان است.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، مطلب زیر یادداشتی است از حجت‌الاسلام و المسلمین فرج‌الله میرعرب، عضو هیئت علمی مرکز فرهنگ و معارف قرآن در بررسی تحریف‌ناپذیری قرآن از منظر بزرگان شیعه که از نظر شما می‌گذرد.

تحریف‌ناپذیری قرآن از اصول مسلم شیعیان است که هیچ شک و شبهه‌ای در آن وجود ندارد. اما برخی تلاش کرده‌اند قرآن را تحریف شده جلوه دهند و در این مسیر برخی علمای شیعه را نیز همسو با خود معرفی کرده‌اند. این در حالی است که علمای شیعه همواره بر این موضوع مهم تکیه کرده‌اند که قرآن مصون از هرگونه تحریف و نقصان است. از این رو بررسی دیدگاه برخی علمای امامیه در این مورد، می‌تواند به روشنی دیدگاه امامیه را در مورد تحریف‌ناپذیری قرآن بیان کند.

خلاصه‌ای از نظرات اعظم شیعه چنین است: شیخ المحدثین و کسی که معروف به اعتنا و اهمیت دادن به روایات است، و او صدوق (طاب ثراه) است، در کتاب الاعتقاد می‌فرماید: اعتقاد ما این است که قرآنی که خداوند بر پیامبر خودش (ص) نازل کرد، همین موجود بین الدفتین (بین دو جلد) است، و بیشتر از آن نیست، و کسی که به ما نسبت داده که ما می‌گوییم بیشتر از موجود است، او دروغگو است. [1]

صدوق روایات وارده در مورد نقصان را بر وجوه دیگری حمل کرده است. و در اواخر فصل الخطاب از کتاب المقالات شیخ مفید (ره) آورده است: جماعتی از امامیه گفته‌اند: قرآن حتی یک کلمه کم نشده است؛ نه آیه‌ای و نه سوره‌ای، و لکن آنچه از تاویلات در مصحف امیر المؤمنین وجود داشته حذف شده است و آنچه که تفسیر معانی قرآن بر اساس حقیقت تنزیل قرآن بوده است. [2]

سید مرتضی (ره) نیز نظرش عدم نقیصه است، و فرموده هر کس از امامیه یا حشویه مخالف آن باشد توجهی به مخالفت‌شان نمی‌شود (و نظرشان ارزشی ندارد). خلاف این نظر منتسب به گروهی از اصحاب حدیث است که اخبار ضعیفی را نقل کرده‌اند و گمان کرده‌اند که آن اخبار صحیح‌اند. [3]

در اول تبیان، شیخ طوسی می‌فرماید: اما کلام در زیاده و یا نقیصه قرآن از مطالبی است که شایسته نیست به قرآن نسبت داده شود؛ زیرا زیاده در قرآن اجماع بر بطلانش منعقد است، و نقصان نیز ظاهر مذهب مسلمانان خلاف آن است، و این نظر شایسته صحت بر اساس مذهب ما می‌باشد، و این همان نظری است که سید مرتضی آن را حمایت کرده، و ظاهر در روایات است.

البته روایات زیادی از خاصه (شیعه) و عامه (اهل سنت) وارد شده که گویای نقصان بسیاری از آیات قرآن است و نیز گویای انتقال بعضی از آیات از جایی به جای دیگر. طریق این روایات (و سند آنها) آحادی است که نه علم‌آور است و نه مستلزم عمل؛ و اولی اعراض از این روایات است. [4] و طبری در مجمع البیان از شیخ پیروی کرده است. [5] و مرحوم کاشف الغطاء در کشف الغطاء در بخش کتاب القرآن در بحث هشتم که در نقص قرآن است، فرموده: هیچ شبهه‌ای نیست که قرآن محفوظ از کمبود و نقصان است، به حفظ ملک دیان، چنانکه صریح (آیه) قرآن بر آن دلالت دارد، و چنانکه اجماع علما در هر زمانی بوده است، و نظر افراد نادر هیچ اهمیتی ندارد، و آنچه از اخبار نقص وارد شده بدیهی (و اصل قطعی برهانی) مانع از عمل به ظاهر آنهاست. - تا جایی که می‌فرماید:- پس ناچار از تاویل آن اخباریم به یکی از وجوه. [6]

از سید قاضی نورالله در کتاب مصائب التواصیب آمده است: به شیعه امامیه نسبت وقوع تغییر در قرآن را داده‌اند؛ این از چیزهایی نیست که جمهور امامیه بدان قائل باشند، بلکه (قالَ بِ شِرْذِمَةٍ قَلِيلَةٍ مِنْهُمْ لَا اِعْتِدَادَ بِهِمْ فِيمَا يَبْتَغُهُمْ؛ گروهی اندک و جدای از صف که در میان شیعه به گفتار آنها اعتنائی نمی‌شود بدان قائل شده‌اند). [7]

از شیخ بهائی نقل است که گفته است: در زیاده و نقیصه‌ی قرآن اختلاف نموده‌اند؛ و صحیح آن است که: قرآن عظیم از دستبرد محفوظ می‌باشد، زیاده باشد یا نقیصه. و بر آن دلالت دارد قول خدای متعالی: وَ إِيَّا لَهُ لَحَافِظُونَ. و آنچه در میان مردم شهرت دارد که اسم امیرالمومنین (ع) را در بعضی مواضع إسقاط کرده‌اند، مانند کلام خدای تعالی: (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ فِي عَلَيٍّ؛ ای پیغمبر آنچه را که درباره‌ی علی به تو نازل شده است ابلاغ کن! و غیر آن، نزد علما اعتباری ندارد.

از مقدّس بغدادی در شرح وافیه آمده است: کلام، فقط در نقیصه می‌باشد؛ و معروف میان أصحاب ما - تا جائی که حتی بر آن حکایت إجماع گردیده است - عدم نقیصه می‌باشد همچنین. [8] و همچنین از وی نقل است که: شیخ علی بن عبدالعالی رساله‌ی مستقلة‌ای در نفی نقیصه تصنیف کرده، و کلام صدوق را که گذشت ذکر کرده و سپس به احادیثی که دلالت بر نقیصه دارد، اعتراض نموده است و آنها را جواب داده به اینکه: اگر حدیثی بر خلاف دلیلی از کتاب و سنت متواتره یا اجماع آمد، و تأویل و حملش بر بعضی از وجوه امکان نداشت، طرح و ردّ آن واجب است [9]. از این رو آنچه که واضح و مبرهن است، اعتقاد راسخ علمای اعظم امامیه بر تحریف‌ناپذیری قرآن و مصون بودن این کتاب الهی از هرگونه تحریف و نقصان است.

پی‌نوشت‌ها:

- [1] - اعتقادات صدوق "ره" (چاپ شده در ضمن مصنفات مفید "ره") ج 5، ص 84.
- [2] - اولائل المقالات، (چاپ شده در ضمن مصنفات مفید "ره")، ج 4، ص 81.
- [3] - مجمع البیان، ج 1، ص 15 (طبرسی در مقدمه مجمع به نقل از جواب مسائل طرابلسیات این مطلب را آورده است).
- [4] - التبیان، مقدّمه الكتاب ج 1، ص 3.
- [5] - مجمع البیان، مقدّمه الكتاب ج 1، ص 15.
- [6] - كشف الغطاء، ج 3، 453 - 454.
- [7] - "مصائب النواصب" اثر قاضی نور الله شهید فروّنی شریف حسینی مرعشی تستری، که در سال 1019 ه به سبب تألیف "إحقاق الحق"، که در آن آرای کتاب "نواقض الروافض" میرزا مخدوم شریفی را ابطال کرد، شهید شد. الذریعه ج 21 ص 76.
- [8] - شرح الوافیه موسوم به "الوافی" اثر سیّد محقق سیّد محسن فرزند سیّد حسن حسینی اعرجی کاظمی بغدادی متوفای سال 1227 ه، الذریعه، ج 14، ص 167.
- [9] - موسوعه آثار علامه بلاغی، ج 1، آلاء الرحمن، ج 1، صص 59 - 62.